

مقایسه جایگاه و وضعیت خانواده در اندیشه آرمانی تامس مور و خواجه نصیرالدین طوسی

کریم خان محمدی^۱
معصومه مؤذن^۲

چکیده

خانواده از قدیم الایام جایگاه ویژه‌ای در اندیشه متفکران غرب و شرق داشته است. در این میان، مقایسه اندیشه‌های آرمانی تامس مور و آراء خواجه نصیرالدین طوسی، به عنوان دو اندیشمند مطرح از دو رویکرد متفاوت، چهره‌ای از خانواده مطلوب را نمایان می‌سازد که می‌تواند در جهان معاصر و سبک زندگی کنونی، مورد توجه قرار گیرد. خانواده در دیدگاه این دو متفکر، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند. ارزش‌هایی همچون عفت، احترام به والدین، تعلیم و تربیت فرزندان، در هر دو اندیشه، از جایگاه والایی برخوردارند؛ اما با وجود این شباهت‌ها، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد که گاه سطحی و گاه عمیق است. مطالعه تطبیقی این دو اندیشه نشان می‌دهد که خانواده مطلوب از منظر خواجه، در بافت دینی و شریعت محور شکل می‌گیرد؛ از این رو آموزش‌ها، احکام و نظام ارزشی آن، دینی است؛ در حالی که خانواده آرمانی تامس مور، از جهت دینی، در بافتی پلورالیستی و نهایتاً عقل محور ترسیم شده است. هرچند خانواده در اندیشه هر دو متفکر، «مردسالار» است اما در نظام اندیشگی خواجه، به ازاء مردسالاری، وظیفه تأمین مخارج خانواده بر عهده وی قرار داده شده است، اما در اندیشه مور، مابه ازایی برای این مردسالاری وجود ندارد؛ زیرا مرد و زن هر دو باید در نظام کار اجباری و تأمین اقتصادی به طور مساوی مشارکت داشته باشند. در نتیجه، برخلاف اندیشه خواجه، که خانواده یک نظام عاطفی ساختارمند و معطوف به فرهنگ است، خانواده در نگاه مور، بیش از آنکه یک کانون عاطفی باشد، واحد اقتصادی معطوف به اجتماع مدنی است.

واژگان کلیدی: حکمت عملی، خانواده، یوتوپیا، تدبیر منزل، تامس مور، خواجه نصیرالدین طوسی.

۱. دانشیار گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع). قم: ایران (نویسنده مسئول); khanmohammadi49@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع). قم: ایران; mm.bahar90@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۴/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱

مقدمه

خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین و اساسی‌ترین رکن هر جامعه، همواره مورد توجه دانشمندان و متفکران بوده است. اندیشمندان غربی معمولاً در آرمان‌شهرهای خود، بهترین و آرمانی‌ترین وجه را در مورد خانواده مطرح کرده‌اند و برخی اداره شهر را در مقیاسی بزرگ‌تر، همان اداره خانواده می‌دانند. در هر صورت، خانواده در این آرمان‌شهرها، در هماهنگی کامل با جامعه آرمانی مورد نظر ترسیم می‌شود. برخی از آرمان‌شهرنویسان غربی به صراحت درباره جایگاه و وضعیت خانواده سخن گفته و برخی به‌اجمال در مورد آن توضیحاتی داده‌اند. از جمله این افراد، افلاطون، کامپانلا و تامس مور می‌باشند. افلاطون در کتاب «جمهور» و کامپانلا در کتاب «شهر آفتاب» و تامس مور در کتاب «یوتوپیا»، آرمان‌شهر مورد نظر خود را تشریح کرده‌اند و حتی فردی مانند کامپانلا سعی کرده است که شهر آرمانی خود را در عمل، به منصفه ظهور بگذارد (روویون، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱). برخی از این متفکران، در نقد آراء یکدیگر نیز سخن گفته‌اند. به‌طور مثال، ارسطو در کتاب «سیاست»، در بحث تدبیر منزل، وضعیت خانواده در جامعه آرمانی افلاطون را مورد انتقاد قرار داده است (ارسطو، ۱۳۴۹، ص ۴۱) و همچنان که در ادامه خواهد آمد، نظرات تامس مور نیز در مورد خانواده، با افلاطون منافات دارد.

دانشمندان مسلمان نیز با توجه به تقسیم‌بندی که نسبت به علوم داشته‌اند، در حکمت عملی در بخش‌هایی تحت عنوان «تدبیر منزل»، «سیاست منزلیه» یا «حکمت منزلیه»، از جایگاه و وضعیت خانواده سخن گفته و سعی کرده‌اند بهترین تصویری را که یک خانواده بر اساس آن ترسیم می‌شود، در این بخش به کار برند. همچنان‌که در آرمان‌شهرهای غربی، خانواده در هماهنگی با جامعه ترسیم می‌شود، در رویکرد دانشمندان مسلمان نیز، خانواده مطلوب در جهتی هماهنگ با جامعه حکیمانه اسلامی تعریف می‌شود. از جمله کسانی که به بحث حکمت عملی و تدبیر منزل پرداخته‌اند، فارابی، ابن‌سینا و خواجه نصیرالدین طوسی هستند. فارابی در کتاب «فصول منتزعه» در عباراتی مختصر، بحث خانواده را مطرح کرده است (فارابی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۰). همچنین ابن‌سینا در رساله‌ای مستقل، نظرات خود را در مورد تدبیر منزل شرح داده و خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب «اخلاق ناصری»، به تفصیل درباره خانواده و وضعیت آن سخن گفته است.

در مقاله پیش رو سعی شده است چهره‌ای از خانواده مطلوب در رویکرد غربی و اسلامی، کاوش و جستجو شود. همچنین نظر به اینکه در غرب، آرمان شهرها و در رویکرد اندیشمندان مسلمان، بحث تدبیر منزل، به خوبی این چهره را به نمایش می‌گذارد، تلاش شد خانواده آرمانی تامس مور تشریح شده و سپس با خانواده مطلوب از منظر خواجه نصیرالدین طوسی، مقایسه گردد. بنابراین، پژوهش بر این سوال اصلی متمرکز است که محور اصلی در آرمان شهر خانواده در اندیشه دو متفکر کدام است؟ و ایده مرکزی در آرمان‌پردازی خانواده چیست؟

۱. پیشینه

بررسی اندیشه‌های خواجه نصیرالدین طوسی و تامس مور در باب زنان و خانواده، نه به صورت مجزا، بلکه در ضمن مقالات محدودی، مورد توجه قرار گرفته است:

در مقاله «جایگاه زن در نظام اجتماعی و خانواده از نگاه فارابی، ابن سینا و خواجه نصیر» (بخشی و همکاران، ۱۳۹۷)، نویسندگان با مقایسه نظرات این سه متفکر جهان اسلام، نگاه خواجه نصیرالدین طوسی به خانواده و نقش‌های خانوادگی را نگاهی کارکردگرایانه می‌دانند. با توجه به این نوع دیدگاه، جایگاه زنان بر اساس نقش جنسیتی همسری و مادری در خانواده تعریف می‌شود. بر این اساس، شاکله خانواده، مردسالار است و زنان، تابعی از مردان به شمار می‌آیند.

در مقاله «نگرش فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی به مدیریت و اقتصاد خانواده» (صادقی، ۱۳۹۷) نگاه خواجه به خانواده و به‌ویژه زنان، متأثر از نگاه ارسطو قلمداد شده است، با این تفاوت که مردمحوری افراطی ارسطویی را تقلیل داده است و رئیس خانواده همچون یک طبیب دلسوز، مصالح خانواده را پیگیری می‌کند. در زمینه اقتصاد خانواده نیز مدیر خانواده، نقش اصلی را دارد. از یک سو نباید بخل بورزد و از سوی دیگر، حرص نداشته باشد و معاش خانواده را مختل نکند. همچنین از نظر نویسنده، تأکید خواجه بر لحاظ هزینه‌ها و پرداخت‌های اخلاقی، دینی و عام‌المنفعه در سبب هزینه‌های ثابت خانواده، یکی از نکات جالب توجه در تدبیر منزل وی است که باید برای احیای آن تلاش کرد.

در مقاله «مقایسه تطبیقی مفهوم مدینه آرمانی در آراء متفکران اسلامی؛ نمونه موردی: آراء خواجه نصیرالدین طوسی و ابن سینا» (ترکاشوند و خواجه نایینی، ۱۳۷۹)، هرچند چندان به بحث خانواده پرداخته نشده است، اما به خوبی تفاوت آرمان شهرها را در نگاه دو متفکر اسلامی ترسیم کرده است. این مقاله، با نگاهی به آرمان شهر مورد نظر خواجه نصیرالدین طوسی، معتقد است که خواجه، اجتماعات انسانی را برحسب غایت و نیکی و بدی تقسیم می‌کند. او برخلاف بوعلی سینا، قوانین را منحصر در قوانین الهی شمرده و قوانین انسانی را درخور اداره آرمان شهر نمی‌داند. در مقاله «بررسی تطبیقی روش‌شناسی اندیشه آرمان شهری در آراء فارابی و تامس مور» (صیدالی، ۱۳۹۵)، نویسنده با ترسیم وضعیت آرمان شهر در اندیشه این دو اندیشمند، یکی از تفاوت‌های اصلی این دو را در اتخاذ قوانین آرمان شهر می‌داند. تامس مور برای ساعات کار، سکونت، غذا خوردن، سفر، شغل، ازدواج و کیفر، قوانینی را بیان می‌کند که قوانین بشری به شمار آمده و هیچ‌گونه مبنای معنوی ندارد. اتکای او به عقل به حدی است که قوانین حاکم بر اتوپیا، اصولی ثابت فرض شده و به هیچ‌وجه قابل تغییر نیستند.

سرازا

در مقاله «تصویر زن دیستوپی در یوتوپای مور» (Serras, 2002)، معتقد است که مور، آغازگر یک کار فرهنگی بوده و توانسته است با ترسیم جامعه آرمانی، دنیایی بهتر برای انگلستان و اروپای غربی به ارمغان بیاورد و از همین جهت، مورد استناد بسیاری از کارهای علمی قرار گرفته است. با این حال، به نظر می‌رسد در مورد خانواده و وضعیت زنان، همچنان زنان در سایه مردان باقی مانده‌اند و از مشارکت خودمختار در امور عمومی محروم هستند. همچنان که در ساختار عدالت‌محور جامعه مور، برابری جنسیتی چندان مشاهده نمی‌شود.

میلر^۲

نیز در مقاله «نقش‌های جنسیتی در یوتوپای مور و انگلستان مدرن اولیه» (Miller, 2019) اتوپای مور، یک آرمان شهر با برتری مردانه توصیف شده است. در عین حال، نسبت به

1. Serras

2. Miller

موقعیت زمانی که مور در آن زیست می‌کرده است، نقش زیادی به زنان داده شده و قوانین مربوط به خانواده، به طور دقیق و مترقی، پیریزی شده است. به طور مثال، مکانیسم ازدواج و طلاق، بیشتر حاوی جلب منافع شخصی است تا اجتماعی. در هر حال، ترسیم این آرمان شهر از یک طرف می‌تواند تحولی در باب نظام خانواده و جایگاه زنان در دوره مور ایجاد کند و از طرف دیگر، کمک می‌کند که در اعصار بعدی، خانواده مطلوب پایه‌ریزی شود.

بررسی آراء این دو اندیشمند از این جهت دارای بداعت و نوآوری است که اولاً: درباره خانواده به تفصیل سخن گفته‌اند و ثانیاً: مور و خواجه هر دو به عنوان ادیب، فیلسوف و سیاست‌مدار، از دوران خود تا زمان معاصر، مورد توجه جامعه علمی بوده و هستند و نظراتشان مبدأ بسیاری از آراء متفکران پس از خودشان بوده است. در نهایت اینکه مقایسه نظرات این دو متفکر، به نوعی می‌تواند پژوهشی در مورد خانواده مطلوب در رویکرد غربی و اسلامی باشد. به‌ویژه آنکه با توجه به بررسی‌های پیشینی، مقایسه‌ای مستقل بین اندیشه‌های این دو اندیشه‌ورز، نه در بحث خانواده، بلکه حتی در باب اندیشه‌های آرمان‌شهری نیز انجام نگرفته است.

در این مقاله، سعی بر آن است که ترکیبی از روش اسنادی و توصیفی - تحلیلی استفاده شود. در روش اسنادی، موضوع پژوهش، نیاز به استفاده از مدارک و اسناد را ایجاب می‌کند (ساروخانی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۵۶)؛ از این رو با استفاده از اسناد و مدارک، به بررسی وضعیت و سرگذشت مور و خواجه پرداخته می‌شود و سپس در تبیین آراء این دو، به کتاب‌هایی که در این زمینه نگاشته‌اند، مراجعه می‌گردد تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، به شباهت و تفاوت نظریات آنان پرداخته شود. در روش توصیفی - تحلیلی، محقق به دنبال چپستی موضوع است و با ارائه مفاهیم به توصیف و ویژگی‌های مسئله پرداخته و سپس به مقایسه می‌پردازد.

اصولاً برای روش‌های مقایسه‌ای^۱، در وضعیت قیاس‌پذیر، سه الگو متصور است. در مواردی که تشابه زیاد باشد، محقق تلاش می‌کند با مفروض‌پنداشتن آنها، تفاوت‌ها را کشف و برجسته نماید. برعکس، در صورتی که تفاوت‌ها زیاد باشد، محقق تلاش می‌کند تشابهات را برجسته سازد (همان، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۸۸). الگوی سوم که در اینجا مطرح نظر است، بهره‌گیری از روش‌های توافق و

اختلاف پرزوسکی و تیون است، که محقق تلاش می‌کند هر دو جهت تمایزات و تشابهات را به روش کیفی، واکاوی و مورد ارزیابی قرار دهد (طالبان، ۱۳۸۸، ص ۷۷). علاوه بر این تصویرسازی، ابعاد مسئله را نیز مورد مذاقه قرار می‌دهد؛ بدین ترتیب، محقق از نظر منطقی، جزئیات مربوط به مسئله تحقیق را با گزاره‌های کلی مرتبط می‌سازد و به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

همچنان که عنوان نشان می‌دهد، این بحث بر سه مفهوم محوری «خانواده»، «یوتوپیا» و «حکمت عملی» استوار است. مفهوم اول، موضوع بحث و نقطه اتصال و مقایسه محسوب می‌شود. مور، آرمان‌شهر خود را با مفهوم یوتوپیا سامان داده و خواجه، مباحث هنجارین را در باب حکمت عملی گنجانده است. در ابتدا، این مفاهیم را تعریف می‌کنیم:

خانواده

خانواده در اصطلاح جامعه‌شناسی، متشکل از گروهی از انسان‌ها است که از راه خون، زناشویی و یا فرزندپذیری، با یکدیگر ارتباط می‌یابند و طی یک دوره زمانی نامشخص، با هم زندگی می‌کنند (کوئن، ۱۳۷۵، ص ۱۲۷). هرچند در نگارش انگلیسی برای خانواده، از کلمه «family» استفاده می‌شود که در معنای خانواده و خانوار به کار می‌رود، اما امروزه در علوم اجتماعی بین این دو کلمه، تفاوت وجود دارد. کلمه خانواده، بیشتر در مباحث جامعه‌شناسی و کلمه خانوار، اغلب در موضوعات آماری، جمعیت‌شناسی و اقتصادی استفاده می‌شود. جمعیت‌شناسان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی، در تفاوت این دو می‌گویند: «افراد تشکیل‌دهنده خانوار لزوماً بستگی خویشاوندی با هم ندارند و یک همبستگی اقتصادی و یک‌کاسه‌بودن بودجه‌ای و زیر یک سقف زیستن، به آنها عنوان خانوار می‌دهد و بدین ترتیب، خانوار از یک یا چند نفر که زیر یک سقف زندگی کرده و بودجه واحد دارند، تشکیل می‌گردد». (امانی، ۱۳۸۰، ص ۴۷)

یوتوپیا (آرمان‌شهر)

آرمان در فرهنگ لغت، به معنای امید و آرزوی بزرگ است (معین، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۳) و

آرمان شهر عبارت است از: نظام سیاسی اجتماعی بدون عیب و کاستی، به طوری که همه اجزاء آن در حد کمال و مطلوب، ترسیم شده باشند. برخی در معنای آرمان شهر، به نوعی نظم اجتماعی آرمانی اشاره کرده‌اند (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۱۹)؛ نظمی عالی، و رای شرایط روزمره و عادی که با رسمیت یافتن ارزش‌های غالب، به عنوان گونه‌ای شاخص و نظامی هماهنگ، در ذهن متبادر می‌شود (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۱۶۶). از نظر برخی دیگر، در آرمان شهر، همه نحو زیست انسان اجتماعی، از شیوه فرمانروایی گرفته تا زندگی خانوادگی و ... در قالب ایده‌آل شکل گرفته است (اصیل، ۱۳۸۱، ص ۲۲). عده‌ای نیز آن را کمال مطلوب سیاسی یا اجتماعی تحقق‌ناپذیر می‌دانند که واقعیت‌ها، طبیعت انسان و شرایط زندگی در آن لحاظ نشده است (روویون، ۱۳۸۵، ص ۵). در نگاه برخی، جامعه آرمانی، جامعه‌ای است که در آن، همبستگی عقلانی، بر شرایط طبیعی در تکوین سازمان اجتماعی مسلط شود. قوانین این جامعه، در راستای تحقق مطلوبی والا و مشترک و بدون توجه به فردیت افراد پدید می‌آیند تا عدالت و منافع همگانی تأمین شود. (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۳۸۹)

در ادبیات غرب، از واژه یوتوپیا^۱ به عنوان معادل آرمان شهر استفاده می‌شود. اصل این واژه، یونانی است و معنی آن، «جایی که وجود ندارد» یا «ناکجاآباد» است. به تعبیر دیگر، یوتوپیا کشوری آرمانی است که در آنجا، زندگی مردم، همراه با رستگاری است؛ جایی دست‌نیافتنی که تصویر آن در افق آرزوی انسان، نمونه خیر و زیبایی و کامیابی است (اصیل، ۱۳۸۱، ص ۲۴). استفاده از این کلمه، از نگارش کتاب تامس مور آغاز شد و امروزه به یک نوع ادبی در نگارش، تبدیل شده است. (لی، ۱۳۹۵، ص ۹۷)

حکمت عملی

اندیشمندان، حکمت را عبارت می‌دانند از «دانستن چیزها، چنان‌که باشد و قیام به کارها، چنان‌که باید» (طوسی، ۱۳۸۹، ص ۱۸). بدین ترتیب می‌توان گفت حکمت، نوع ایده‌آل و تکاملی نظر و عمل است. فلاسفه، حکمت را به دو شاخه نظری و عملی تقسیم می‌کنند. حکمت عملی، بر مصالح اعمال و اخلاق تکیه دارد (دینانی، ۱۳۹۳، ص ۵۰۰) و در پی یافتن بایدهای

1. Utopia

اعمال انسان است. در فلسفه عملی، دانشمند به دنبال هست‌ها نیست، بلکه در پی بایدها است. حکمت عملی خود به دو حوزه فردی و جمعی تقسیم شده و متشکل از تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن است. از این‌رو در حوزه فردی، به بایدها و نبایدهای اخلاق و در حوزه جمعی، به بایدها و نبایدهای خانواده و جامعه پرداخته می‌شود (بوذری‌نژاد، ۱۳۹۶، ص ۲۰). تدبیر منزل، مربوط به آداب منزل‌داری و چگونگی رابطه و مشارکت اعضای خانواده است و سیاست مدن، به آداب اجتماعی، مردم‌داری و کشورداری مربوط می‌شود. (دینانی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۰)

۳. جایگاه خانواده در اندیشه تامس مور

۳.۱. زندگی و شخصیت مور

تامس مور، متولد ۱۴۷۸م در لندن، فیلسوف اجتماعی و سیاست‌مدار انگلیسی قرن پانزده و شانزده میلادی است. او به چند دلیل، نسبت به اندیشمندان و دولت‌مردان زمان خود، شهرت بیشتری دارد. اول به سبب پارسایی و زهد اوست. ریاضت‌های زاهدانه او، در عین تمول و ثروتی که به سبب مقام سیاسی می‌توانست داشته باشد، در سرگذشت‌نامه‌هایی که از او نگاشته‌اند، نقل شده است. به طور مثال، او جامه‌ای خشن در زیر لباس خود می‌پوشید تا جامه توبه‌اش باشد (کنی، ۱۳۷۴، ص ۲۰). دومین دلیل، پاک‌دستی و روش و منش او در خدمات عمومی است. دلیل سوم، آثار و نوشته‌های انتشار یافته او و دلیل چهارم، نحوه کشته شدن مظلومانه اوست. (Crompton, 2006, p2)

درباره مور کتاب‌های زیادی نگاشته شده و نمایشنامه و فیلم سینمایی «مردی برای تمام فصول» نیز بر اساس زندگی او ساخته شده است. دوران مور، آغازگر دوره پرتب‌وتاب رنسانس در اروپا بود و تامس مور را می‌توان نمونه‌ای از متفکران عصر رنسانس در شمال اروپا دانست. البته ویژگی این رنسانس، برخلاف رنسانس ایتالیا، آن است که همراه با دیانت و زهد و تقوای عمومی بود. مور در زمان هنری هشتم، ملقب به لقب «سِر» و سپس به صدر اعظمی منصوب شد، اما چند سال بعد از مقام خود استعفا داد. دلیل استعفایش آن بود که پادشاه قصد طلاق

همسرش را داشت و از مور تأییدیه می‌خواست، اما مور به سبب اعتقادات مذهبی، به شدت با طلاق مخالف بود (لی، ۱۳۹۵، ص ۵۲). در سال ۱۵۳۴م، پادشاه، قانون ریاست را تصویب کرد که طی آن، پادشاه به جای پاپ، رئیس کلیسای انگلستان می‌شد. در این قانون، سوگند وفاداری وجود داشت که مور از ادای آن سر باز زد. هرچند این مسئله، مجازات اعدام را در پی نداشت، اما با سعایت برخی، گفته‌هایی در مخالفت پادشاه، به مور نسبت دادند که در نهایت، به جرم خیانت به مصالح عالییه، بازداشت و گردن زده شد (راسل، ۱۳۹۴، ص ۳۹۷). حدود ۴۰۰ سال بعد، پاپ در سال ۱۹۳۵م، مور را قدیس اعلام کرد (Crompton, 2006, p120). امروزه از مور به‌عنوان «شهید اصلاحات» یاد می‌کنند.

همچنان که اشاره شد، مور نوشته‌های زیادی داشت، اما عمده دیدگاه‌های آرمانی خود را در کتابی به نام «یوتوپیا» گرد آورده است. در حقیقت، ویژگی‌های عصر رنسانس و توجه به قدرت و توانایی انسان در پرتو اومانسیم مسیحی، سبب شده بود راه‌های جدیدی برای ایجاد یک دنیای بهتر باز شود (serras, 2002, p325) و کتاب یوتوپیا، یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که سعی در ترسیم این دنیای جدید کرده است. یوتوپیا که با انگیزه‌های اخلاقی بشردوستانه نگاشته شده است (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۱۹)، نمونه‌ای عالی از یک متن لاتین کلاسیک است و تا به امروز نیز همانند گذشته، خوانندگان فراوانی دارد و بر اساس آن، کتاب‌های مختلفی نوشته شده است. بسیاری از ایده‌هایی که بعدها در تمدن مدرن اروپایی مطرح شد، از یوتوپای مور، نشأت گرفته است (مور، ۱۳۹۴، ص ۲۲)؛ اموری مانند تحصیلات عالییه برای زنان، جواز خودکشی بیماران و... همچنین اندیشه‌های مور، تأثیر بسیار زیادی در شکل‌گیری نظریه سوسیالیسم و کمونیسم در غرب داشته است (موسکا و بوتو، ۱۳۶۳، ص ۱۶۳)؛ تاجایی که کارل کائوتسکی^۱ او را پیشگام کمونیسم و پدر سوسیالیسم اوتوسی می‌داند (Kautsky, 1959, p257). از همین روست که در غرب، نوشته‌های او بارها تجدید چاپ شده است. تامس مور در این کتاب با ترسیم یک آرمان‌شهر، که شامل جزیره‌ای متشکل از ۵۴ شهر است، جامعه‌ای فرضی را به‌عنوان نمونه، تصور کرده که تمام اندیشه‌های آرمانی در همه حیطه‌های زندگی آنان، اجرا

1. Karl Johann Kautsky

شده است و به‌گونه‌ای، تبلور یک انقلاب در ساختار سیاسی اجتماعی آن روز به شمار می‌رود. یوتوپیا به‌مثابه یک داستان و توسط یک روایتگر روایت می‌شود. برخی این شیوه بیان را در عصری که کمترین فاش‌گویی عقاید، مجازاتی همچون مرگ را دربردارد، بهترین شیوه می‌دانند تا نویسنده‌ای همچون مور، مقاصد اصلی خود را در آن بیان کند. (لی، ۱۳۹۵، ص ۸۷)

۳.۲. دیدگاه مور درباره خانواده

از نظر مور، هر خانواده، یک واحد اقتصادی و زیستی است (مور، ۱۳۹۴، ص ۲۱). خانواده در آرمان شهر او عبارت است از خانوارهایی در شهر و روستا که هر خانوار در روستا، متشکل از ۴۰ زن و مرد و در شهر، ۳۰ نفر است. این خانوارها به‌طور سلسله‌مراتبی، به انجام وظایف خود در شهر و روستا می‌پردازند. (همان، ص ۷۲)

خانواده، یک خانه معین و همیشگی ندارد؛ بلکه در سطح شهر، خانه‌هایی وجود دارد که شهروندان به نوبت و با قرعه‌کشی در آن ساکن می‌شوند (همان، ص ۶۹ و ۷۲). البته خانه‌ها از استواری و محکمی خوبی برخوردار هستند. از طرف دیگر، در هر خیابان، تالارهای بزرگی وجود دارد که خانوارهای شهری در آنجا غذا می‌خورند. هرچند غذا خوردن در خانه ممنوع نیست، اما کار نادرستی تلقی می‌شود و غذا خوردن در تالار همگانی ترجیح دارد. تهیه غذا و چیدمان میز غذا در تالار نیز کاملاً اشتراکی است و زنان هر خانواده به نوبت، اقدام به پخت و پز و کشیدن غذا می‌کنند. در تالارهای غذاخوری، سلسله‌مراتب سنی رعایت می‌شود و بیشترین احترام را به پیران می‌کنند و بهترین خوراک و بهترین مکان را برای آنان می‌گذارند (همان، ص ۸۳). همچنین در یوتوپیا مور، همه، چه زن و چه مرد، به‌طور مساوی شش ساعت کار می‌کنند. اصولاً مور یکی از نقطه امتیازهای جامعه خود نسبت به دیگر جوامع را کارکردن زنان و عدم بیکاری آنان می‌داند. (راسل، ۱۳۹۴، ص ۳۹۸)

بنابراین، خانواده یک نهاد نه صرفاً مصرفی، بلکه کاملاً تولیدی است. بدین ترتیب، نیاز همگانی جامعه، برطرف می‌شود. البته زنان چون ضعیف‌تر هستند، کارهای سبک‌تر مانند پشم‌بافی و کتان‌بافی را به عهده می‌گیرند و مردان، کارهای سنگین‌تر را انجام می‌دهند

(مور، ۱۳۹۴، ص ۷۴). کالای تولید هر خانوار به انبارهای عمومی آورده می‌شوند و رئیس خانوار به تناسب نیاز می‌تواند کالای مورد نیاز خانوار خود را بدون پرداخت پول یا سپردن تعهدی از آنجا بردارد (همان، ص ۸۰). همچنان‌که زر و سیم هم ارزشی ندارد و بازیچه کودکان است. پدران و مادران، کودکان را از آن پرهیز نمی‌دهند تا بزرگ‌تر که شدند خودشان آن را به مثابه اسباب‌بازی کودکانه، رها می‌کنند (همان، ص ۸۸). از نظر مور، نظام پولی، فاسدترین نظام اقتصادی است. (همان، ص ۱۳۷)

در جامعه آرمانی مور، رسم تک‌همسری حاکم است و چندهمسری را بر نمی‌تابد (همان، ص ۱۰۷). دختران پس از ازدواج، از خانواده جدا می‌شوند و در خانوار همسر خود به زندگی ادامه می‌دهند؛ اما پسران ازدواج‌کرده، با خانوار زندگی می‌کنند و پس از ازدواج، جدا نمی‌شوند و در خانواده، از پیرترین نیای خود فرمان می‌برند. در حقیقت، پیرترین فرد هر خانوار است که بر آن ریاست می‌کند (همان، ص ۷۹). زنان از شوهرانشان و کودکان از پدر و مادرشان فرمان می‌برند (همان، ص ۸۰). در آیین عبادی خود، قبل از رفتن به پرستشگاه، زنان در مقابل شوهران و فرزندان در برابر پدر و مادرشان زانو می‌زنند و به لغزش‌های خود اعتراف می‌کنند و برای خطاهای خود عذرخواهی و طلب بخشایش می‌کنند و بدین ترتیب، ناراحتی‌های درون خانوادگی، برطرف می‌شود. (همان، ص ۱۳۲)

مراسم ازدواج و قوانین مربوط به آن، به طور دقیقی اجرا می‌شود. سن ازدواج برای دختران و پسران مشخص است؛ به طوری‌که دختران، قبل از ۱۸ سالگی و پسران، پیش از ۲۲ سالگی حق ازدواج ندارند. در گزینش همسر، دقت زیادی می‌شود؛ به طوری‌که دختر و پسر قبل از ازدواج، در مراسمی با حضور فردی محترم، حق دارند یکدیگر را برهنه ببینند تا اگر نقص جسمانی وجود داشته باشد از آن مطلع شوند؛ زیرا سهم زیبایی جسم و صورت، کمتر از زیبایی سیرت نیست. بدین ترتیب افراد از تدلیس در ازدواج مبرا می‌شوند و این کار، سبب استحکام زندگی آینده آنان و جلوگیری از طلاق خواهد شد. این مسئله در آرمان شهر، امری مقبول و درست است و برعکس، اینان از آداب و رسوم مردمی که در ازدواج، تنها دیدن چهره زن را مجاز می‌دانند، در شگفت می‌شوند (همان، ص ۱۰۶). همچنین در آرمان شهر، مردان خدا

-کاهنان- نیز حق تشکیل خانواده و ازدواج دارند و زنان آنان، به سبب موقعیت همسرانشان، از جایگاه والایی برخوردار می‌شوند. (همان، ص ۱۳۰)

در آرمان شهر برای حفظ حریم خانواده، قوانین سخت‌گیرانه‌ای وجود دارد؛ زیرا از نظر آنان اگر امکان رابطه زن و مرد در غیر از چارچوب خانواده فراهم باشد، کمتر کسی تن به ازدواج و مسئولیت ناشی از آن می‌دهد. از این رو اگر دختران و پسران قبل از سن قانونی ازدواج، زناشویی پنهانی داشته باشند، به سختی مجازات می‌شوند و برای همه عمر از ازدواج محروم می‌گردند، همچنین کدخدا و کدبانوی خاندانی که جرم در آنجا به وقوع پیوسته است، به سبب بی‌مبالاتی، سرزنش و نکوهش می‌شوند. همین‌طور زنا به‌عنوان امری بسیار زشت و ناپسند تلقی می‌شود. زناکاران، در بند و زنجیر می‌شوند و در بقیه عمر خود، حق زناشویی دوباره ندارند. مگر آنکه رأفت پادشاه و گذشت طرف زیان‌دیده، شامل حالشان شود تا بخشیده شوند و به زندگی دوباره خود باز گردند. البته اگر پس از بخشش، دوباره مرتکب زنا شوند، این بار کیفرشان مرگ خواهد بود. (همان، ص ۱۰۸)

در آیین کیفری آنان، حتی قصد جرم نیز جرم است. به طور مثال اگر مردی قصد اغوای زنی را داشته باشد، مجرم شناخته شده و مجازات می‌شود. در جرائم دیگر و باقی موارد، قانون، مجازات دیگری تعیین نکرده است و تا زمانی که جرم به‌گونه‌ای نباشد که مصلحت همگانی را به خطر اندازد، مجازات زنان به دست شوهران و فرزندان به دست پدر و مادر است. (همان، ص ۱۰۸)

در نظرات آرمانی مور، به همان اندازه که ازدواج، ارزشمند است، طلاق، قبیح و ناپسند شمرده می‌شود. از نظر او، اگر طلاق با هر بهانه‌ای مجاز باشد و اجازه طلاق در یک خانواده به سادگی صورت گیرد، عشق در میان خانواده‌های دیگر نیز سست خواهد شد. از این رو طلاق جز در موارد اندک، مانند آنکه یکی از طرفین مرتکب زنا و بی‌عفتی شده باشد، مجاز نیست. (همان، ص ۱۰۷)

در آرمان شهر، جمعیت هر شهر نباید از شش هزار نفر تجاوز کند و اگر چنین اتفاقی افتاد، تعدادی از جمعیت را به شهر کم جمعیت می‌فرستند تا ظرفیت جمعیتی شهرها برابر باشد. تعداد خانوارهای هر شهر نیز مشخص است و هرچند تعداد بچه‌ها محدود نیست، اما اگر تعداد،

متناسب نباشد، بچه‌های خانوار پرجمعیت را به خانوار کم جمعیت منتقل می‌کنند. (همان، ص ۷۹)
 در یوتوپیا، لباس‌های مردم شبیه هم است. آنان به جامه فاخر اهمیتی نمی‌دهند. تنها تفاوتی که در پوشش وجود دارد، تفاوت بین جامه متأهلان و غیر متأهلان است (همان، ص ۷۴).
 زنان و مردان آرمان شهری همواره در حال دانش‌افزایی هستند. آنان در فرصت بیکاری خود، کتاب مطالعه می‌کنند (همان، ص ۷۵). دانش‌آموختن، یکی از لذات مردم جامعه آرمانی است.
 آنان در فراگیری دانش، تیزهوش و مشتاقند. (همان، ص ۱۰۲)

با توجه به آنچه در یوتوپیا آمده، تأهل و ازدواج در نظر مور، ارزش ویژه‌ای داشته و خود او نیز در زندگی شخصی‌اش، با آنکه در پارسایی زبانزد بوده است و به نظر می‌آمد زمینه مناسبی برای پوشیدن کسوت کشیشان داشته باشد، اما مبادرت به ازدواج کرده است. اراسموس^۱ می‌گوید: «هنگامی که مور خطاب به آگوستین قدیس را می‌نوشت، مصمم بود که کشیش شود؛ اما از آنجایی که نمی‌توانست بر اشتیاق همسرگزینی چیره شود، تصمیم گرفت شوهری وفادار باشد نه کشیشی سست‌ایمان». وی که پیوسته به منزل مور رفت‌وآمد داشت، خانواده او را خوشبخت و مهرورز توصیف می‌کند. (کنی، ۱۳۷۴، ص ۲۱)

دیدگاه آرمانی مور در ترسیم آرمان شهر، مبتنی بر نظام اشتراکی افلاطونی است (موسکا و بوتو، ۱۳۶۳، ص ۱۵۹). او در کتاب یکم از یوتوپیا، بارها از زبان رافائل هیثلودی^۲، مالکیت خصوصی را رد می‌کند و در مقابل، به تحسین نظام اشتراکی و برابری در دارایی می‌پردازد (مور، ۱۳۹۴، ص ۶۱). در حقیقت، برابری در اموال و دارایی‌ها، اساس آرمان شهر او را تشکیل می‌دهد و همه نهادها، مبتنی بر آن ترسیم می‌شوند. بدین ترتیب، نظام اقتصادی، زیربنای تشکیل نظام اجتماعی و فرهنگی است و همه چیز در خدمت اقتصاد قرار می‌گیرد؛ بنابراین نهاد خانواده نیز بر پایه همین زیربنا ایجاد می‌شود و تداوم می‌یابد. اما تفاوت جایگاه خانواده در آرمان شهر مور با اندیشه‌های آرمانی دیگر مانند افلاطون آن است که افلاطون، نظام خانواده را نیز اشتراکی معرفی می‌کند و به تعبیر دیگر، برای خانواده، رسمیتی قائل

۱. Erasmus: دانشمند، فیلسوف و ادیب هلندی و یکی از دوستان نزدیک مور است که کتاب معروف «در ستایش دیوانگ» را نگاشته و آن را به مور، اهدا کرده است.

۲. Raphael Hithloody: مردی که روایت‌گر یوتوپیا است.

نمی‌شود. از نظر او تشکیل خانواده باید کاملاً زیر نظر حکومت صورت گیرد (افلاطون، ۱۳۵۳، ص ۲۵۰). در جمهوری افلاطون، لشکریان و پاسداران، در زمره بهترین افرادند؛ لذا زنان پاسدار، متعلق به مردان پاسدار هستند. او تصریح می‌کند که: «زنان پاسدار باید متعلق به همه مردان پاسدار باشند و هیچ‌یک از آنها نباید با مردی تنها زندگی کند». این قانون اشتراکی در مورد کودکان و فرزندان متولدشده نیز مطرح می‌شود؛ زیرا کودکان نیز در میان آنها به اشتراک گذاشته می‌شود، به طوری که پدران و مادران، نباید فرزندان خود را بشناسند و کودکان نیز حق شناخت والدین را ندارند و همچنان که اموال آنان اشتراکی است و مالکیت خصوصی ندارند، خانواده نیز تحت همین قانون و به نحو اشتراکی است. (همان، ص ۲۴۳)

اما خانواده در اندیشه آرمانی مور، جایگاهی کاملاً رسمی دارد و هرچند در خدمت نظام اقتصادی و برابری اقتصاد است، اما رسمیت خود را از دست نمی‌دهد. از مواردی که نشان می‌دهد خانواده یوتوپیایی به چه میزان در خدمت نظام اشتراکی است، می‌توان به شخصی نبودن منزل، غذاخوردن در تالارهای مشترک، تهیه غذا و چیدمان آن به صورت اشتراکی و کارکردن زن و مرد خانواده به میزان ساعت مساوی برای رفع نیازهای همگانی مردم شهر، اشاره کرد. از نگاهی دیگر، موارد فوق نشانگر آن است که آزادی‌های فردی، حتی در درون خانه و خانواده، چقدر محدود شده‌اند. (لی، ۱۳۹۵، ص ۹۲)

نظام اقتصادی مور، چه در سطح خانواده و چه در سطح جامعه، مبتنی بر تقسیم کار است؛ به طوری که افراد با توجه به سن و جنسیت، وظایف مشخصی به آنان محول می‌شود. خانواده یوتوپیایی، پس اندازی ندارد و اصولاً نیازی به پس‌انداز اختصاصی نیست. به اضافه آنکه نظام پولی نیز وجود ندارد و از پول استفاده نمی‌شود. شکل خانواده، گسترده است و خانواده هسته‌ای در آرمان شهر او وجود ندارد. عنصر قدرت در جامعه و خانواده، در وهله اول، مردسالار و پدرسالار است. ریاست مرد بر خانواده و فرمان برداری زن از شوهرش در یوتوپیا، لازم شمرده شده است. به عبارت دیگر، در آرمان شهر او، زنان از نقش مستقلی در امور خانوادگی و عمومی برخوردار نیستند و در سایه مردان به سر می‌برند. حتی در کسب برخی جایگاه‌های اجتماعی - معنوی نیز جایگاه زنان، پایین‌تر از مردان است. به طور مثال، کاهن بودن، که

یک مقام اجتماعی مهم در یوتوپیا به شمار می‌رود، در قبضه مردان است و زنان به ندرت می‌توانند کاهن شوند و آن هم به شرطی است که اولاً، مسن باشند و ثانیاً، همسر خود را از دست داده و بیوه باشند (مور، ۱۳۹۴، ص ۱۳۰). به همین دلیل، برخی معتقدند هرچند مور در یوتوپیا، خود، انقلابی در ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد کرده است، اما در مورد نقش خانوادگی یا اجتماعی زنان، از همان سنت‌های پیشین پیروی کرده و چهره یوتوپیا، او کاملاً مردسالار و پدرسالار است. (Serras 2002, p330)

خانواده در نگاه آرمانی مور، سالمندمحور است. محوریت سالمندان، چه در هرم قدرت و چه در ویژه‌خواری، مشهود است. تصاحب ریاست خانواده و کسب امکانات رفاهی ویژه، در مورد سالمندان رعایت می‌شود. در نظر مور، رعایت حریم عفت، بسیار ارزشمند است و با آنکه در یوتوپیا، قوانین اندک هستند (مور، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰) و به ندرت در مورد جرائم خاص، قانون خاصی وجود دارد؛ اما درباره حریم عفت، قوانین کاملاً مشخص، عینی و لازم‌الاجرا وجود دارد. در جامعه آرمانی مور، مد و مدگرایی وجود ندارد، زیرا لباس‌ها شبیه هم است جز لباس متأهلان. گویا این لباس، کارکردی همچون حلقه ازدواج در زمان معاصر را دارد که افراد از متأهل بودن فرد، مطلع باشند و پیشنهاد ازدواج ندهند تا مبادا همین مسئله، مقدمه‌ای برای تجاوز به حریم عفت باشد. (همان)

در آرمان شهر مور، مانند جمهور افلاطون، سیاست‌های جمعیتی اعمال می‌شود و هرچند خانواده، به رسمیت شناخته می‌شود و کودکان، والدین خود را می‌شناسند، اما در اینجا نیز اگر جمعیت شهر یا خانواده‌ای بیش از حد تعیین شده باشد، کودک را از خانواده جدا می‌کنند و به خانواده کم جمعیت منتقل می‌کنند، بدون آنکه به آسیب‌های روانی و روحی این مسئله، که به مادر یا فرزند وارد می‌شود، اشاره‌ای شده باشد. گویا همان‌طور که خانوارها باید در اموال، برابری داشته باشند، در تعداد فرزندان نیز این برابری باید رعایت شود و آنکه فرزند بیشتر دارد، باید به آنکه کمتر دارد، فرزند خود را پیشکش نماید. همچنین در مورد بیماری که از بیماری دردناک و درمان‌ناپذیر رنج می‌برند، توصیه به خودکشی دارد (همان، ص ۱۰۵)؛ زیرا اینان دیگر از عهده وظایف خود بر نمی‌آیند و باری بر دوش دیگر اعضای خانواده و یا

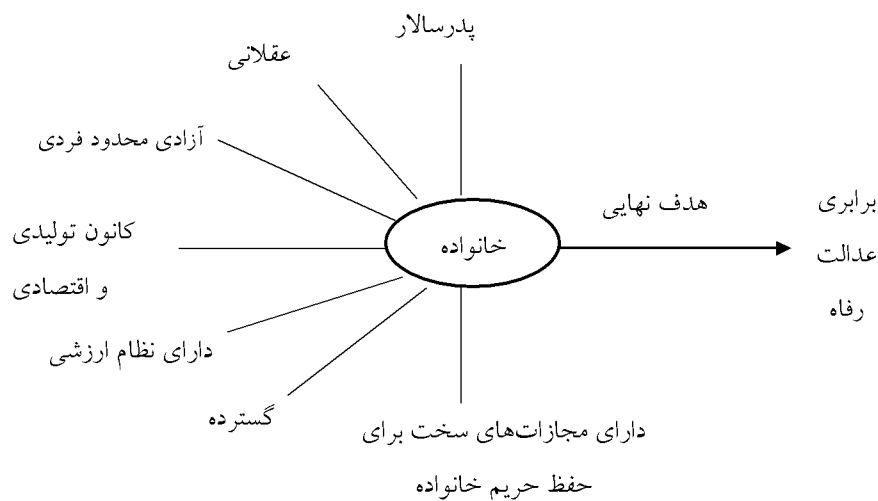
جامعه هستند. در حقیقت این افراد، دیگر در نظام تولید خانوار و در سطح کلان‌تر، جامعه، کارایی خود را از دست داده‌اند و تبدیل به مصرف‌کننده صرف شده‌اند، از این‌رو بدون توجه به روابط عاطفی اعضای خانوار، از آنان می‌خواهند خود را بکشند یا اجازه دهند دیگری این کار را برای آنان انجام دهند. این موارد نشان می‌دهد که چگونه خانواده بدون توجه به قانون عاطفی‌اش، تحت‌الشعاع ساختارهای سیاسی و اقتصادی قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد با آنکه مور در آرمان‌شهر، از نوعی پلورالیسم و رواداری دینی حمایت می‌کند (همان، ص ۱۲۲)، اما در ترسیم آداب و قوانین مربوط به خانواده تا حدود زیادی، متأثر از آیین مسیحیت است. نظام تک‌همسری و ممنوعیت طلاق، همچنان که در مسیحیت از قوانین مربوط به ازدواج شمرده می‌شود، در یوتوپیا نیز کاملاً مقبول است.

در یوتوپای مور، تعلیم و آموزش، دارای اهمیت بسیار است؛ هرچند مشخص نشده است که در آموزش فرزندان، دولت، خانواده و تک‌تک والدین، دقیقاً چه سهمی دارند و وظیفه هرکدام در این مورد، به چه شکل و به چه میزان است. همچنین به چگونگی تحصیل اعضاء خانواده، تصریحی نشده است؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به نظام اشتراکی مور، تأمین هزینه تحصیل، به عهده دولت باشد و والدین، تنها در ایجاد اشتیاق دانش‌افزایی در فرزندان خود مؤثر باشند. البته باید گفت مور قبل از هر چیز، تفکر یوتوپیایی را در خانواده خود اعمال کرده بود. چنانکه در احوالات او گفته‌اند که مور بلافاصله پس از ازدواج، آموزش همسر خود را به عهده گرفت و ادبیات و موسیقی را به او آموخت (کنی، ۱۳۷۴، ص ۲۱). همچنین او در مورد فرزندان و فرزندخواندگان خود نیز همین رویه را اعمال می‌کرد. دختران و پسران او در خانه، از آموزش مذهب، ادبیات و علوم انسانی برخوردار می‌شدند و او برای این هدف، معلمانی را استخدام کرده بود که به بهترین وجه، آموزش را انجام دهند. کوشاترین فرزند مور، دختر ارشد او بود که مور نوشته‌های او را می‌ستود و برای دوستان فرهیخته‌اش می‌خواند. بدین ترتیب می‌توان گفت خانواده مور، الگویی در روشن‌اندیشی و پیشتاز رویه آموزش عالی برای زنان بود (همان، ص ۳۰). در نقاشی‌هایی که از خانواده مور کشیده شده است، در دست دختران مور، کتاب‌هایی دیده می‌شود که نشان می‌دهد مور تأکید ویژه‌ای بر آموزش زنان

خانواده داشته است (B.Wegemer, 2011, p163)، هرچند برخی معتقدند تصویری که او از تحصیل دختران در یوتوپیا ارائه داده است با زندگی خانوادگی اش متفاوت است؛ زیرا آنچه از یوتوپیا به دست می‌آید تحصیل دختران در راستای مادر و همسر خوب بودن است. به عبارت دیگر، دختران و پسران، در تحصیل مساوی نیستند و دختران، از آزادی تحصیل در جهت کسب یک مقام اجتماعی منع شده‌اند. (Serras 2002, p326)

با توجه به آنچه آمد، به نظر می‌رسد در سامان اجتماعی یوتوپیا، کلمه خانوار نسبت به معانی لحاظ شده، رساننده‌تر از خانواده باشد. همچنان که مترجمان نیز به شایستگی، در ترجمه از کلمه خانوار استفاده کرده‌اند.



مدل شماره ۱: ویژگی‌های خانواده در اندیشه آرنانی تامس مور

۴. جایگاه خانواده در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی

۴.۱. زندگی و شخصیت خواجه

محمد نصیرالدین طوسی در سال ۵۹۷ق در شهر طوس و خانواده‌ای اهل علم، دیده

به جهان گشود. او ادیب، حکیم، فیلسوف و سیاستمدار قرن هفتم هجری قمری است و در بسیاری از علوم دیگر همچون نجوم، ریاضیات، فقه، تاریخ و ... تبحری خاص داشت (مدرس رضوی، ۱۳۵۴، ص ۳). دوران او مصادف بود با یکی از دوره‌های پر تب و تاب تاریخ ایران یعنی جهان‌گشایی مغولان که حمله و تسلط آنها بر کشور، صدمات مادی و معنوی زیادی بر ایران وارد کرد. شهرت خواجه به دلیل شخصیت ممتاز علمی و تألیفات بسیار، خدمات اجتماعی، فرهنگی و علمی همچون ایجاد رصدخانه، تأثیر او در دربار ایلخانان مغول در حد صدارت یا مشاور اعظم و تربیت شاگردان برجسته‌ای همچون علامه حلی است.

از جمله کتاب‌های خواجه، که در آن از خانواده به تفصیل صحبت شده، کتاب «اخلاق ناصری» است. این اثر، مهم‌ترین کتاب در حکمت عملی به زبان فارسی است و پس از آن، در دوره‌های مختلف، شرح‌ها و تلخیص‌هایی از آن نوشته شده و یا با اقتباس از آن، کتاب‌های دیگری با عناوین مختلف به رشته تحریر درآمده است. کتاب دارای متنی پرمغز و مستدل است که رسیدن به سعادت، غرض اصلی آن است و در آن، درباره ماهیت و معنای سعادت و فضیلت بر اساس فلسفه نظری، گفتگو شده است (دینانی، ۱۳۹۳، ص ۵۰۶). خواجه انواع حکمت عملی - تهذیب نفس، تدبیر منزل و سیاست مدن - را در این کتاب مورد توجه قرار داده و در آن، به کامل‌ترین و آرمانی‌ترین نوع از این سه مورد، اشاره کرده است.

۴،۲. دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی درباره خانواده

خواجه، در کتاب اخلاق ناصری، در بخش تدبیر منزل، در موضوعات مرتبط با تشکیل خانواده و ارکان منزل، اموال، زن و فرزند و رعایت حقوق والدین مباحثی را مطرح کرده است که در ادامه به اهم مطالب اشاره می‌شود: خواجه در مورد تشکیل خانواده، به دو امر بقای شخص و بقای نوع، اشاره می‌کند. انسان برای بقای خود، نیاز به غذا دارد و پس از کسب غذا، نیاز به جایی دارد که اندوخته خود را در آنجا نگهداری نماید. همچنین نیاز به فردی دارد که در امر مراقبت از غذا او را کمک کند؛ بدین ترتیب، خانه و همسر و نهایتاً خانواده تشکیل می‌شود. علاوه بر بقای شخص، بقای نوع نیز عامل تشکیل خانواده است؛ زیرا

بدون خانواده و همسر، توالد و تناسل صورت نمی‌گیرد. پس از تشکیل خانواده، باید امور مربوط به خانواده تدبیر شود تا هماهنگی کامل بین ارکان منزل ایجاد گردد. خواجه در تعریف منزل معتقد است که منزل، صرف خشت و گل نیست، بلکه تألیف و همدلی و همفکری است که بین ارکان خانه یعنی زوجین و فرزندان و... صورت می‌گیرد. (طوسی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۹)

خواجه، مدبر منزل را مانند طبیعی می‌داند که اگر خللی در منزل ایجاد شد، دلسوزانه به تدبیر و معالجه می‌پردازد. او تدبیر منزل را چنان مهم می‌داند که معتقد است اگر کسی توان چنین تدبیری ندارد، همان بهتر که خانواده‌ای تشکیل ندهد. (همان، ص ۲۲۶)

در بنای مسکن باید رفاه حال اعضاء خانه در نظر گرفته شود. دیوارها بلند و استوار و درها به‌گونه‌ای باشد که رفت‌وآمد در آن به راحتی صورت گیرد. برای زنان و مردان، جایگاه جدا در نظر گرفته شود. مسکن طوری باشد که در فصل‌های گرم و سرد سال بتوان از آن استفاده کرد. موارد ایمنی در ساخت آن رعایت شده باشد تا از آتش‌سوزی و سیل و دیگر بلاها محفوظ بماند. همین‌طور باید همسایگان لحاظ شوند و محل سکونت، در مجاورت مردمان شرور و فاسد نباشد. (همان، ص ۲۱۲)

در امور مالی، باید پس‌انداز داشته باشد؛ البته در صورتی که جمع‌کردن مال، سبب اختلال در دین و معیشت خانواده نشود. باید مخارج، کمتر از درآمد باشد. اموال در امور بیهوده، که سودآور نیستند، مصرف نشود. پس‌انداز، فقط پولی نباشد، هرچند معامله با پول، بهتر از معامله کالا به کالا است. در صدقات و انفاقات، قربت و رضای خداوند در نظر گرفته شود. (همان، ص ۲۱۳)

در ازدواج، مرد نباید به خاطر اموال زن با او ازدواج نماید؛ زیرا استیلا و تسلط او بر خانواده دچار اشکال خواهد شد. خواجه درباره روابط زوجین معتقد است زن صالح، در اموال، شریک مرد است و در تدبیر منزل، همیار او. بهترین زنان کسی است که در عقل، دیانت، عفت، اطاعت همسر، خوش‌خویی و نگهداری از اموال شوهر، بهترین باشد. (همان، ص ۲۱۹)

برای تدبیر منزل، مرد باید سه چیز را در مورد همسرش رعایت نماید تا در تدبیر، موفق باشد: اول، هیبت؛ مرد طوری عمل کند که همسرش از اطاعت او سرپیچی نکند. دوم،

کرامت؛ که شامل هفت مورد می‌شود: همسرش را در هیئتی جمیل نگه دارد، رفاه اقتصادی او را تأمین کند، در ستر و عفاف او بکوشد، با او مشورت نماید بدون آنکه مطیعش بشود، دست او را در امور منزل باز بگذارد، با خویشان و بستگان او صلح و رحمت و رفت‌وآمد کند و تک‌همسری را رعایت نماید. سوم، شغل خاطر؛ خواجه معتقد است بیکاری زنان و عدم مشغولیت آنان، سبب فساد خانواده و اخلاق در تدبیر منزل خواهد بود. از این‌رو مرد باید اسباب اشتغال خاطر زن در منزل را فراهم آورد که شامل تکفل مهمات منزل مانند تربیت اولاد و تنظیم امور خانه می‌شود. (همان، ص ۲۶۳)

خواجه، نظر خاصی درباره محبت دارد. از نظر او محبت سبب ارتباط اجتماعات بوده و مرتبه محبت، از عدالت بالاتر است؛ زیرا اگر اجتماعی بر اساس محبت تشکیل شود، اصولاً نیازی به عدالت نیست (همان، ص ۲۶۶). محبت از نظر خواجه، یا ارادی است یا فطری. محبت مادر و فرزند، فطری و سبب بقای نوع است (همان، ص ۲۶۸) و نوع ارادی آن، سببش یا لذت است یا منفعت یا خیر. محبت زن و شوهر، ارادی است و در وهله اول می‌تواند از نوع منفعت و لذت باشد و منافعی از خیرات منزلی که هر دو در آن همکاری دارند، باعث دوام و اشتراک این محبت می‌شود. اما این نوع محبت ممکن است دچار آسیب شود؛ زیرا اگر هرکدام از زن و شوهر، آن منفعت یا لذت را از دیگری دریغ کند، سبب سردی خواهد شد. در عین حال اگر این محبت، منشأ خیر پیدا کند - نه صرف لذت و منفعت - تبدیل به محبت اهل خیر خواهد شد که افضل محبت‌ها است؛ و چون خیر، همیشه ثابت است، این نوع از محبت هم به سردی نمی‌گراید. (همان، ص ۲۷۴)

خواجه درباره فرزندان، معتقد است که پس از اتمام ایام شیرخوارگی، تأدیب و تربیت فرزند باید آغاز شود. از جمله اموری که باید فرزند را از آن منع نمایند عبارت است از: نشست و برخاست با دوستان ناباب، لذات دنیوی و شکم‌پرستی، خواب بسیار، محبت مال و زر و سیم و آنچه باید تعلیم ببیند شامل آداب و سنن دینی، روایات، علم اخلاق و علوم حکمت نظری می‌شود. خواجه اولویت را در آن می‌داند که طبیعت و استعداد فرزند را ببینند که به چه علمی یا فنی اشتیاق دارد و او را در همان کار، یاری کنند تا متناسب با علاقه خود

پیشرفت نماید. او به طور خاص درباره دختران معتقد است آنچه موافق ولایقشان است باید در تعلیمشان به کار برد و آنها را بر فضایل پسندیده‌ای همچون حجاب، وقار و عفت تربیت کرد و هنرهایی که مناسب زنان است را به آنان آموخت و در ادامه، معتقد است که آنان را باید از خواندن و نوشتن منع کرد. (همان، ص ۲۷۵)

درباره ازدواج، بهتر آن است که پسران زمانی که توانستند کسب و کاری داشته باشند و دختران نیز وقتی به حد بلوغ رسیدند، با لحاظ کفویت، برای تأهلشان اقدام کرد و مسکن و معیشتشان از خانواده جدا شود. رعایت حقوق والدین، واجب است و شامل سه مورد می‌شود: خالصانه آنان را دوست داشته باشد؛ پیش از آنکه از او بخواهند، در امور مالی و معیشتی به آنان کمک کند و منتی نگذارد؛ نسبت به آنان خیرخواهی کند. حقوق پدر، روحانی‌تر است و حقوق مادر، جسمانی‌تر. به همین دلیل، پس از آنکه عقل کودک کامل شد، متوجه حقوق پدر می‌شود، اما حقوق مادر را قبل از آن و با همان احساس - حتی قبل از آنکه کمال عقلانی پیدا کند - متوجه می‌شود. از این رو، ادای حقوق پدران، به دعا، ذکر، ثنا و اطاعت است و ادای حقوق مادران، به انواع احسان و بخشش اموال و وسایل معیشت است. (همان، ص ۲۷۷)

مبنای خواجه نصیرالدین طوسی در بحث خانواده، «رساله تدبیر منزل» ابن‌سینا است که خواجه با اقتباس از آن و با اضافاتی دیگر، این رساله را تکمیل نموده است (مدرسی، ۱۳۳۵، ص ۱۲۶). البته در مقایسه به نظر می‌رسد آنچه خواجه تقریر کرده، اخلاقی‌تر بوده و آداب بیشتری را همراه با جزییات آن نقل کرده است.

در اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده، در نظرات خواجه تردیدی نیست؛ اما او اعتقاد دارد آنکه قرار است خانواده‌ای تشکیل دهد باید مقدماتی را رعایت کند و آن هم دانستن فن تدبیر منزل و نیز خودسازی اخلاقی است. هرچند در مورد دوم، خواجه تصریحی ندارد؛ اما همچنان که بیان شد او متأثر از ابن‌سینا است و در کتاب اخلاق ناصری نیز، همچون ابن‌سینا، پیش از پرداختن به امور خانواده و تدبیر منزل، فصلی در تهذیب اخلاق دارد. ابن‌سینا، مرد را به عنوان مدبر سیاست‌های منزلی می‌داند و معتقد است پیش از پرداختن به تدبیر منزل، باید در اصلاح نفس خود بکوشد تا صلاحیت و شایستگی لازم برای تشکیل خانواده را به دست

آورد. اگر فردی بتواند به تدبیر و اصلاح نفس خود اقدام کند، می‌تواند تدبیر منزل را نیز به خوبی انجام دهد. (نجمی زنجانی، ۱۳۱۹، ص ۱۶)

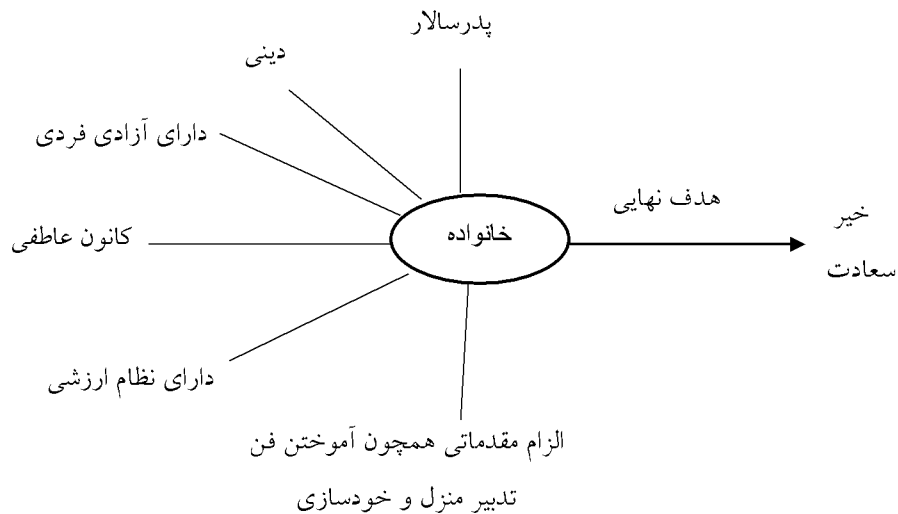
عمده خطاب رساله، به مدبر منزل است. مدبر منزل در وهله اول کسی است که کمتر از بقیه تحت تأثیر احساسات است و توانایی بدنی بیشتری برای درآمدزایی دارد که با فراگیری فن تدبیر منزل می‌تواند وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد. دارنده اوصاف مذکور، مرد خانواده است. از این رو می‌توان گفت خانواده در آراء خواجه، مردسالار است؛ اما به تناسب این مردسالاری، وظایفی که بر عهده مرد است نیز بیشتر است که مهم‌ترین آن، تأمین مخارج خانواده است. همچنان‌که ابن‌سینا نیز در رساله خود می‌نویسد که زن نباید همانند مرد، اهل کسب قرار گیرد، بلکه باید مخارج زن به عهده مرد باشد (ابن‌سینا، ۱۳۸۸، ص ۳۵۳). همچنین کشف و شکوفایی استعداد اعضای خانواده و رساندن آنها به کمال مطلوب و سعادت، وظیفه دیگر مدبر منزل است که نقش راهبردی او را در اداره خانواده مشخص می‌کند. (طوسی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۹)

ریاست خانواده، در طول ریاست جامعه است. خواجه تصریح می‌کند که «رئیس منزل، مرئوس رئیس مدینه است» (همان، ص ۲۶۳)؛ از این رو باید گفت تدبیر منازل و مصالح و مفاسد آن، با جامعه منافاتی ندارد و اگر تعارضی پیش آمد، جامعه مقدم خواهد بود. نظام خانوادگی در دیدگاه خواجه، شریعت محور است. رعایت قوانین شریعت در ازدواج و اموال مربوط به خانواده، رعایت می‌شود و کودکان به آموختن مسائل شرع اسلام، توصیه می‌شوند. عفت در نظر او، ویژگی بسیار ارزشمندی است. وی درباره عفت زنان، هم خود آنان را ملزم به رعایت عفت می‌داند و هم بر شوهران لازم می‌داند که در حفظ عفت همسرانشان بکوشند.

تعلیم و تربیت، از نکات اساسی نظام خانوادگی خواجه است، هرچند خواجه درباره اصل تعلیم و تربیت، بین دختران و پسران تفاوتی قائل نمی‌شود، اما معتقد است دختران را باید از خواندن و نوشتن منع کرد. اگرچه این مقاله، درصدد نقد سخنان خواجه نیست، اما این نظر او با روایات اسلامی منافات دارد که تحصیل علم را بر مسلمانان فرض نموده و بر خواندن

و نوشتن قرآن تأکید کرده است^۱. لذا باید ملاحظه کرد که تدبیر منزل، چه زبانی از تحصیل دختران می بیند که خواجه از آن منع می کند. احتمال می رود شرایط اجتماعی و جغرافیایی حاکم بر دوران خواجه، شرایط مناسبی را برای دختران در خروج از منزل و تحصیل دانش، فراهم نمی کرده است و یا مواد تحصیلی که آموخته می شده، مناسب پسران بوده و یا اینکه بگوییم شرایط فرهنگی زمان خواجه، این طور بوده است و او نیز نمی خواسته با آن آداب و رسوم مخالفتی کند.

از طرف دیگر، خواجه تعیین نکرده است که میزان وظیفه دقیق پدر و مادر، در تعلیم و آموختن کودک چه مقدار است. البته اگر متأثر از ابن سینا باشد، او معتقد است که والدین هر دو، وظیفه تربیت را دارند، مادر به جهت پرورش و پدر از جهت هزینه. (ابن سینا، ۱۳۸۸، ص ۳۵۳)



مدل شماره ۲: ویژگی های خانواده در آراء خواجه نصیرالدین طوسی

۱. در این مورد، روایات زیادی داریم، از جمله: «طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة»، عوالی الالکی العزیزیه، ابن ابی جمهور، (۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۷۰)، قم: دار سید الشهداء للنشر. همچنین ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲ق)، بحوث فقهیه ص ۱۵۲، قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.

نتیجه‌گیری

آن‌چنان‌که در توصیف و تحلیل خانواده در نظرات آرمانی تامس مور و آراء خواجه نصیرالدین طوسی آمد، مشخص می‌شود این دو اندیشمند، متأثر از ارزش‌ها و اعتقادات خود و نیز شرایط اجتماعی سیاسی عصر خودشان، هرکدام خانواده را بر طبق نهایت مطلوبیتی که در نظر داشته‌اند، ترسیم کرده‌اند. در هر صورت، تشابه و تفاوت‌هایی در نظرات این دو مشاهده می‌شود.

وجوه اشتراک نظرات مور و خواجه را می‌توان در وجود ارزش‌هایی همچون عفت، احترام به سالمندان، آموزش و تعلیم و تربیت، در نظر گرفتن استعداد فرزندان و مردسالاری بودن نهاد قدرت در خانواده دانست و تفاوت‌ها را در موارد ذیل برشمرد:

- هرچند هر دو، اقتصاد را در تشکیل نهاد خانواده مؤثر می‌دانند، اما به نظر می‌رسد با نظرات اخلاقی که خواجه مطرح می‌کند، نقش محبت در خانواده او بسیار مهم است، به طوری که خانواده ترسیمی خواجه، یک کانون عاطفی در جامعه است؛ اما خانواده ترسیمی مور، بیشتر در خدمت نظام اقتصادی جامعه است و بیش از آنکه کانون عاطفی باشد، یک واحد اقتصادی از جامعه به شمار می‌رود.

- خانواده در نظر خواجه، الزاماً گسترده نیست و حتی موافق آن است که پسران و دختران ازدواج کرده، از لحاظ مسکن و معیشت، از خانواده جدا شوند؛ اما مور، پسران ازدواج کرده خانواده را ملزم به زندگی با خانواده پدری می‌داند.

- خانواده خواجه کاملاً مترتب بر دین و مذهب است و این مسئله، در همه امور خانواده لحاظ می‌شود، اما خانواده در نظام تامس مور، بیش از آنکه دینی باشد، عقلانی و اخلاقی است. - خانواده در نگاه خواجه هرچند هماهنگ با جامعه است؛ یعنی سیاست منزلیه با سیاست مدن در تعارض نیست، اما برای خانواده، نحوه زیادی از استقلال لحاظ شده است. در مقابل، خانواده در نظام مور هرچند رسمیت دارد، اما در امور خود مستقل نیست.

- در تجمیع خانوارهای مور، ما به «آرمان‌شهر» می‌رسیم و در تجمیع منازل خواجه، به «امت» دست می‌یابیم.

- در آرمان شهر مور، خانواده، پس اندازی ندارد، اما خواجه در مورد اموال و نظام اقتصادی خانواده، توصیه هایی به پس انداز دارد.

- در آرمان شهر مور، زن و مرد موظفند برای رفع نیاز همگانی، کار کنند، اما به نظر خواجه، مرد باید مخارج زن را تأمین کند. هرچند او نیز با بیکاری زنان مخالف است، اما هیچ سهمی از تأمین مخارج خانواده را به دوش زن نمی‌گذارد. خانواده در اندیشه مور، واحد اقتصادی است، اما در اندیشه خواجه، نهاد عاطفی - فرهنگی به شمار می‌رود.

اگر خانواده ترسیمی مور و خواجه را، هر دو، مردسالار در نظر بگیریم، در مورد خواجه، چون تکلیف تأمین هزینه خانواده بر عهده اوست، می‌توان مردسالاری را توجیه پذیر قلمداد کرد، اما در خانواده ترسیمی مور، مشخص نیست که چرا خانواده باید مردسالار باشد؛ زیرا زنان و مردان، هر دو ملزم به کارکردن و درآمدزایی هستند و مرد، متکفل امور زن نیست. از طرفی، همه وظایف زنانه از قبیل زناشویی و امورات خانه نیز به عهده زن است، لذا مشخص نیست نهاد قدرت در خانواده چرا به سمت وسوی مردانه بودن می‌رود.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۸ش)، *الهیات از کتاب شفاء*، ترجمه: ابراهیم دادجو، تهران: امیرکبیر.
۲. ارسطو (۱۳۴۹ش)، *سیاست*، ترجمه: حمید عنایت، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۳. اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۱ش)، *آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی*، تهران: نشر نی.
۴. افلاطون (۱۳۵۳ش)، *جمهوری*، تهران: خوشه.
۵. امانی، مهدی (۱۳۸۰ش)، *جمعیت‌شناسی عمومی ایران*، تهران: سمت.
۶. آشوری، داریوش (۱۳۸۳ش)، *دانشنامه سیاسی فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی*، تهران: مروارید.
۷. بخشی، منصوره؛ صادقی، مجید و امامی جمعه، مجید (۱۳۹۷ش)، «جایگاه زن در نظام اجتماعی و خانواده از نگاه فارابی، ابن سینا و خواجه نصیر»، *نشریه حکمت سینیوی*، سال ۲۲، ش ۹، ص ۶-۲۵.
۸. بوذری‌نژاد، یحیی (۱۳۹۶ش)، *روش‌شناسی حکمت عملی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. بیرو، آلن (۱۳۶۶ش)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات موسسه کیهان.
۱۰. ترکاشوند، مهدی و خواجه‌نابینی، علی (۱۳۹۷ش)، «مقایسه تطبیقی مفهوم مدینه آرمانی در آراء متفکران اسلامی»، *فصلنامه تاریخ فلسفه*، سال نهم، ش ۲، ص ۱۷۱-۱۹۲.
۱۱. دینانی، غلامحسین (۱۳۹۳ش)، *نصیرالدین طوسی؛ فیلسوف گفتگو*، تهران: هرمس.
۱۲. راسل، برتراند (۱۳۹۴ش)، *تاریخ فلسفه غرب*، ترجمه: نجف دریابندری، تهران: پرواز.
۱۳. روویون، فردریک (۱۳۸۵ش)، *آرمان‌شهر در تاریخ اندیشه غرب*، ترجمه: عباس باقری، تهران: نشر نی.
۱۴. ساروخانی، باقر (۱۳۹۳ش)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۵. ساروخانی، باقر (۱۳۷۷ش)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۶. صادقی، مسعود (۱۳۹۷ش)، «نگرش فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی به مدیریت و اقتصاد خانواده»، *نشریه تاریخ فلسفه*، سال نهم، ش ۳، ص ۶۹-۹۰.
۱۷. صیدالی، محمد (۱۳۹۵ش)، «بررسی تطبیقی روش‌شناسی اندیشه آرمان‌شهری در آراء فارابی و تامس مور»، *نشریه پژوهش‌های سیاسی*، ش ۱۶، صص ۷۰-۹۳.
۱۸. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸ش)، *روش‌شناسی مطالعات انقلاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده امام خمینی علیه السلام.
۱۹. طوسی، محمد نصیرالدین (۱۳۸۹ش)، *اخلاق ناصری*، تصحیح و ویرایش: سیاوش خوشدل، تهران: فراهانی.
۲۰. فارابی، محمد ابونصر (۱۳۸۸ش)، *فصول منتزعه*، شرح و ترجمه: حسن ملک‌شاهی، تهران: سروش.
۲۱. کنی، آنتونی (۱۳۷۴ش)، *تامس مور*، ترجمه: عبدالله کوثری، تهران: طرح نو.
۲۲. کوئن، بروس (۱۳۷۵ش)، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: توتیا.

۲۳. لی، سر سیدنی (۱۳۹۵ش)، *سرتامس مور؛ مرد تمامی روزگاران*، ترجمه: بهروز ذکا، تهران: پارسه.
۲۴. مدرس رضوی، محمدتقی (۱۳۵۴ش)، *احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۵. مدرسی، محمد (۱۳۳۵ش)، *سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۶. معین، محمد (۱۳۹۱ش)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
۲۷. مور، تامس (۱۳۹۴ش)، *اتوپیا*، ترجمه: داریوش آشوری و نادر افشار نادری، تهران: انتشارات خوارزمی.
۲۸. موسکا، گائتانو و بوتو، گاستون (۱۳۶۳ش)، *تاریخ عقاید و مکتب‌های سیاسی از عهد باستان تا امروز*، ترجمه: حسین شهیدزاده، تهران: مروارید.
۲۹. نجمی زنجانی، محمد (۱۳۱۹ش)، *ابن سینا و تدبیر منزل*، تهران: چاپخانه ایران.

ب) لاتین

1. B. Wegemer, Gerard, (2011), *Young Thomas More and the Arts of Liberty*, First, Cambridge University Press.
2. Miller, Ryan (2019) "The Utopia for All—with Exceptions: Gender Roles in Thomas More's Utopia and Early Modern England," *Armstrong Undergraduate Journal of History*: Vol. 9: Iss. 2, Article 10.
3. Samuel Willard Crompton, (2006) *Thomas More and His Struggles of Conscience*, First, Chelsea House Publishers.
4. Serras, Adelaide (2002) "Dystopian Female Images in More's Utopia", *yearbook of the Spanish and Portuguese Society for English Renaissance Studies*, pgs. 323-330
5. Kautsky, Karl, (1959), *Thomas More and His Utopia*, New York, Russell & Russell.

